



عقل کامل هم نمی تواند ذات الهی را بشناسد / فارابی معلم ثانی فلسفه است

رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با بیان اینکه حضرت رسول(ص) با وجود اینکه عقل کامل و اشرف اولاد و مخلوقات است، نمی تواند ذات الهی را بشناسد، گفت: چون اصلا ذات الهی متعلق شناخت قرار نمی گیرد، ذات الهی را جز ذات الهی نمی شناسد.

رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با بیان اینکه حضرت رسول(ص) با وجود اینکه عقل کامل و اشرف اولاد و مخلوقات است، نمی تواند ذات الهی را بشناسد، گفت: چون اصلا ذات الهی متعلق شناخت قرار نمی گیرد، ذات الهی را جز ذات الهی نمی شناسد. به گزارش خبرنگار مهر، نشست علمی «تأثیر آراء معرفتی متفکران اسلامی بر تفکر غرب» توسط گروه معرفت شناسی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، عصر امروز 13 آذرماه در تالار علامه جعفری این پژوهشگاه برگزار شد.

در ابتدای این نشست حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر رشاد، رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی درباره «تأثیر آراء معرفتی متفکران اسلامی بر تفکر غرب» سخن پرداخت و گفت: یکی از مباحثی که این روزها در حوزه معرفت شناسی بیان می شود، مسأله اثبات و عدم اثبات معرفت به واقع است. تبیین های گوناگونی که نوعا مبتلا به افراط یا لزوما تفریط است در پاسخ ارائه می شود.

وی افزود: یک تبیین اجمالی ساده ای که مقداری واقع بینانه به فرآیندهای تکون معرفت نگریسته باشند عرض می کنم که در حقیقت این تلقی و این نگرش مبنای معرفت شناختی لویناس و دست کم اصل اولیه این نظریه را تشکیل می دهد. چهار مقدمه را بیان می کنم و از آن یک نتیجه گرفته می شود؛ اول اینکه معرفت تام و فنایی ناپذیر مختص ذات تام و نامتناهی است.

رشاد در ادامه سخنانش اظهار داشت: مقدمه دوم اینکه خصائل نوعی ذاتی انسان که در فوق ذکر شد موجب محدودیت معرفت می شود علاوه بر خصائل نوعی ذاتی مؤثر بر صدر و ذیل معرفت آدمی، آحاد انسانی دارای خصائص شخصی سلبی و ایجابی ای هستند که کم و بیش بر فرآیند تکون معرفت تأثیر می گذارد.

وی با اشاره به اینکه مقدمه سوم اینکه اموری که متعلق معرفت قرار می گیرند همگای دارای صفات و سرشت یکسان نیستند، بیان کرد: مثلا در این بحث می توان گفت با وجود اینکه حضرت رسول(ص) با وجود اینکه عقل کامل و اشرف اولاد و اشرف مخلوقات است، نمی تواند ذات الهی را بشناسد، چون اصلا ذات الهی متعلق شناخت قرار نمی گیرد، ذات الهی را جز ذات الهی نمی شناسد. علاوه بر دو ضلع شناختگر، که بازیگر اصلی تکون معرفت هستند، ضلع دیگر که به عنوان پیراشناخته ها به نحو ایجابی و سلبی در شناخت معرفت تأثیرگذار است.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی تصریح کرد: اگر به این چهار مقدمه توجه کنیم، می توانیم این سؤالات را طرح کنیم که آیا معرفت ممکن است یا نیست؟، خطا چگونه توجیه می شود و تنوع و تطور معرفت چگونه رخ می دهد؟ چرا معرفتها متنوع است. ثمره مفید این خواهد بود که یا از واقع فاصله می گیریم و یا واقع را می شناسیم؛ مثل شناخت فیل در اتاق تاریک.

وی افزود: حتی ممکن است این وضعیت پیش بیاید که از حقیقت فاصله بیشتر بگیریم، در این صورت از جهل ساده دور می شویم و به جهل پیچیده نزدیک می شویم. حالت دیگر این است که در جهل ساده بمانیم، وضعیت دیگر تقرب به واقع است. احیانا به اطلاعاتی رسیده ایم، اما باز از علم تفصیلی و واقع دور هستیم.

در ادامه این نشست، دکتر حسین کلباسی اشری، عضو هیئت دانشگاه علامه طباطبائی درباره «تأثیر آراء معرفتی متفکران اسلامی بر تفکر غرب» به ارائه سخن پرداخت و گفت: اتین ژیلسون در کتاب «وحدت تجربه فلسفی» که به کتاب «تأثیر آراء معرفتی متفکران اسلامی بر تفکر غرب» توسط دکتر احمد احمدی ترجمه شده، در نکته ای می گوید: تمایز و جدا شدن هستی شناسی و معرفت شناسی، سرآغاز و تبارشناسی ای دارد که به ارسطو بر می گردد.

وی افزود: مستحضر هستید در متافیزیک ارسطو (مجموعه چهارده جلدی) نحوه ای از تفکر فلسفی، تعریف فلسفه و توجه فیلسوف به موضوعات فلسفی و اینکه اصلا متعلقات تفکر فلسفی است، مطرح شده که با اسلاف و میراث ملی یونان تفاوت مهمی دارد.

کلباسی با اشاره به اینکه یکی از تقسیمات مهم فلسفی که تقسیم مهمی هم هست، تقسیم متفکران یونان به قبل و بعد از سقراط است، اظهار داشت: موضوع بحث فلسفه وجود است یا موجود است. ارسطو در کتاب ششم مابداطبیعه به این امر توجه دارد.

مدیرگروه غرب شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تصریح کرد: آشنایی عمیق فارابی به زبان یونانی خود را در کتاب الحروف به خوبی نشان می دهد، فارابی به سریانی سخن می گفت یعنی آشنایی عمیقی داشت. با زبان یونانی آشنایی عمیقی دارد چرا که پنج صفحه اول رساله الحروف در توضیح واژه وجود و وجود داشتن در زبان یونانی است که بسیار دقیق و ظریف وارد این بحث شده است.

وی با تأکید بر اینکه با مطالعه این چند صفحه حقیقتاً انسان شگفت زده می شود، گفت: این فیلسوف و حکیم ما در مقام لفظ خود که از باب ورود مباحث مابعدالطبیعه که یک ابتکار فوق العاده است یعنی به نقش زبان و دلالت آن و الفاظ و مقام لفظ در انتقاد زبان و تفکر ما توضیح داده است. فارابی نتیجه می گیرد موضوع فلسفه آنچنان که یونانیان گفتند نمی تواند موجود به ما هو موجود باشد، باید وجود مطلق باشد حتی فارابی تصریح به این دارد که وجود مطلق هم کفایت نمی کند و باید مطلق وجود باشد. بحثی که هنوز میان فیلسوفان و عرفای ما وجود دارد. این توجه و ارتباط، ارتباط شگفتی است.

کلباسی با اشاره به اینکه در کتاب احصاء العلوم در بحث تقسیم بندی علوم همین بحث را ملاحظه می کنید، گفت: این نکته، نکته مهمی است که اگر مجالی به تفصیل بود آنرا بیشتر بحث می کردیم. در اینکه معرفت شناسی، از هستی شناسی از وجودشناسی جدا افتاد و چیزی پدید آمد که ما یعنی فاعل شناسا که بعداً با عنوان سوژه در سنت مدرن از آن یاد شده است با چه و چه چیزی تلاقی می کند و اندیشه و فکر و شناخت او به چه اصابت می کند داستان درازی دارد.

دیگر سخنران این نشست دکتر ابراهیم موسوی عضو هیئت علمی دانشگاه مفید بود که درباره 171#& فارابی و تفکر غرب raquo; به ارائه سخن پرداخت و گفت: فارابی چیزی بیشتر از آن چیز یک قبول داریم به آن پرداخته ایم در غرب تأثیرگذار بوده است. فارابی برای کل تاریخ فلسفه غرب و جهان اسلام، معلم ثانی است. فارابی در مسائل متافیزیک و سیاست دارای بحثهای عمیقی است.

وی افزود: به نظر می رسد که غرب از دوره جدید نگاه دوباره ای به فارابی انداخته است و این جدا از شناخت اولیه این فیلسوف است، فارابی شرح مفصلی را بر کتاب العبارة ارسطو دارد. ارسطو در این اثر به زبان توجه می کند، اما در واقع رابطه آنرا با حقیقت و فکر می خواهد بسنجد. ارسطو دقتهای جالبی در این اثر دارد و مباحث جدیدی را طرح می کند. یکی از شرح های بسیار دقیق و عمیق بر این اثر که هم بر ابن سینا و هم بر غرب اثر گذاشته، شرحی است که فارابی بر آن نوشته است.

موسوی با اشاره به اینکه اگر مسأله را خوب بشناسیم، راه حل فارابی مشخص می شود که چقدر دقیق است، تصریح کرد: روی همین بحث آراء و نظریات بسیار عالی ای توسط فارابی طرح شده است که فارابی را از گذشتگان خودش ممتاز می سازد و بر آیندگان تأثیرگذار می کند.

وی تأکید کرد: فارابی و ابن سینا در نظر من یک شارح یونان نیستند، اینها مبدع هستند. اینها با توجه به مسائل فلسفی و عقلی در جهان دینی مطرح بود، به پاسخ های جدیدی رسیدند و طرح جدیدی از مسأله ارائه کردند. فارابی یک رتبه بندی و طبقه بندی خاصی از مسأله ذهن و لفظ و واقعیت طرح می کند.

این محقق و استاد دانشگاه بیان کرد: در نظر فارابی البته واقع از حقایق خارجی آغاز می شود، ولی فارابی تلاش می کند وسعتی را از واقع برای ما ایجاد کند. واقعی که به امور ذهنی و در واقع یک نوع رابطه زبان با واقع را ترسیم می کند، قبل از فارابی این مسائل به این شکل مطرح نبوده است. فارابی و ابن سینا متوجه بودند که دارای کارهای جدید انجام می دهند و صرفاً پیرو یونانیان نیستند، البته درست است که با سنت فلسفی و با اصطلاحات فلسفی که از یونان آمده، دارند فکر می کردند.